



بررسی تطبیقی قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حقوق داوری تجاری بین المللی ایران و انگلیس

ولی قاسمی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی واحد شبستر-مرکز تسوج

Tarashepardaz_omid@yahoo.com

چکیده:

امروزه داوری بخشی جدایی ناپذیر حقوق تجارت بین المللی را تشکیل می دهد و در دعاوی بین المللی، شیوه منحصر بفرد حل و فصل اختلافات تجاری بین المللی است و امتیازاتی از قبیل سرعت در رسیدگی، ارزان بودن، تخصصی بودن و محرمانه بودن رسیدگی باعث بسط و گسترش آن در مجامع داخلی و بین المللی شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تطبیقی با هدف بررسی قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حقوق و قوانین داوری تجاری داخلی و بین المللی ایران و حقوق و قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس و در سایر اسناد و مقررات بین المللی بررسی شده است. همچنین در پژوهش حاضر اقدام به مطالعه ضرورت، اهمیت و جایگاه قاعده مذکور در داوری تجاری بین المللی گردیده است. لذا برای انجام این مهم پژوهشگر از کتب، مقالات و همچنین تحقیقات انجام یافته در این زمینه از طریق روش فیش برداری تلاش به گردآوری اطلاعات مقتضی نموده است. نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان دهنده آن است که در قانون داوری داخلی ایران قاعده فوق الذکر به رسمیت شناخته نشده و مطابق ماده ۴۶۱ قانون مدنی این دادگاههای دولتی هستند که در صورت بروز اختلاف بین طرفین در خصوص قرارداد داوری به آن رسیدگی و اظهار نظر می نمایند. این قاعده در قانون داوری تجاری بین المللی ایران که در سال ۱۳۷۸ تصویب شده، مورد شناسایی قرار گرفته است و با وجود یک عامل بین المللی در بین طرفین داوری این قانون در روابط آنها حاکم خواهد بود. همچنین در انگلیس قبل از قانون داوری ۱۹۹۶ این قاعده شناخته شده نبود لیکن با تصویب این قانون هم در داوری های داخلی و هم بین المللی هر دو قابل اجرا است.

واژگان کلیدی: داوری، داوری داخلی، داوری بین المللی، قانون داوری و قاعده صلاحیت بر صلاحیت.



مقدمه:

دقیقاً معلوم نیست که داوری از چه تاریخی شکل گرفته است، اما آنچه مسلم است، سابقه آن از دادرسی بیشتر است قبل از آنکه بشر بی ببرد که برای حل و فصل اختلافات خود نیاز به یک تشکیلات دادرسی دارد. داوری وسیله حل و فصل اختلافات بوده است. ایجاد تشکیلات عریض و طویل قضایی باعث نشده است که داوری از بین برود و این روش حل و فصل اختلاف در کنار دادرسی به حیات ادامه داده است. (شیروی، ۱۳۹۱).

بشر در طول دوران حیات مدنی و از زمانی که رو به یک جانشینی آورده و تشکیل واحد کوچک و بزرگ روستایی و شهری را داده است درگیر روابط پیچیده اجتماعی شده است که وجود اختلافات به دلیل منافع فردی و جمعی در این روابط امری اجتناب ناپذیر می باشد که افراد بشری برای رفع این اختلافات تدابیری را اندیشیده است قبل از اینکه دولت ها امر رفع اختلافات بین مردم را به دست گیرند این بزرگان خانواده، طایفه، قوم و قبیله بودند که با حکمیت بین طرفین اختلاف، ایفای نقش می نمودند. حتی بعد از ایجاد محاکم دولتی نیز به لحاظ سادگی و سهولت دسترسی به داوری مردم برای رفع اختلاف خود داوری را ترجیح می دادند. در دنیای کنونی که روابط اقتصادی و تجاری و معاملات مختلف بین المللی، از پیچیدگی های فراوانی برخوردار است و تنظیم روابط حقوقی و حل و فصل اختلافات احتمالی ناشی از اجرا و تفسیر و تعبیر قراردادهای منعقد، نیاز به تخصص و تبحر خاص خود را دارد، بسیاری از حقوقدانان و وکلای دعاوی و دست اندرکاران این فعالیت ها در سراسر جهان بر این باورند که دادگاههای داخلی کشورها توانایی و کفایت بایسته و لازم را برای رسیدگی و حل و فصل اختلافات تجاری، به ویژه دعاوی بین المللی و دعاوی ناشی از سرمایه گذاری خارجی ندارند و مرجع تخصصی دیگری که توان کافی برای حل و فصل مخاصمات بازرگانی بین المللی را داشته باشد، باید جایگزین سیستم قضایی سنتی شود. دنیای کنونی به درستی پذیرفته که داوری همان مرجعی است که می تواند پا به پای شتاب و سرعت روز افزون مبادلات بازرگانی، فعالیت های مربوط به سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی و طبعاً دعاوی متعدد و پیچیده ناشی از آن پیش ببرد و جایگزین مناسبی برای سیستم قضایی کشورهای مختلف در امر رسیدگی و حل و فصل اختلافات تجاری دارای ماهیت بین المللی شود. (بردبار، ۱۳۸۴).

داوری در بازرگانی بین المللی از قرن نوزدهم میلادی گسترش چشمگیری داشته و امروزه مهمترین و رایج ترین شیوه حل اختلافات بازرگانی به شمار می آید. از آنجا که داوری از پیچیدگی ها و مشکلات حقوقی و کندی دادرسی دولتی به دور است و دوران منتخب و مورد اعتماد طرفین دعوی هستند و در مسایل بازرگانی بین المللی تخصص دارند، از اصحاب دعوی اغلب داوری را بر دادرسی دادگاههای دولتی ترجیح می دهند. از این رو، در بسیاری از قراردادهای بازرگانی بین المللی شرط داوری گنجانده می شود که به موجب آن، در صورت بروز اختلاف راجع به تفسیر یا اجرای قرارداد، حل و فصل آن از طریق داوری موردی یا نهادی، بر اساس اراده مشترک طرفین و مقررات ملی یا بین المللی راجع به داوری انجام می گیرد. در عصر جدید، مقررات فراوانی در سطح ملی راجع به داوری بازرگانی بین المللی وضع شده و پاره ای کنوانسیونهای بین المللی در این باره به امضا رسیده و نهادهای گوناگون داوری در سطح داخلی و بین المللی به وجود آمده که قواعد و مقرراتی برای داوری به وجود آورده است و خدمات شایانی جهت حل و فصل اختلافات در این زمینه ارائه می دهند؛ با توجه به اهمیت و رواج روزافزون داوری، هر ساله آراء بسیاری در این باب از مراجع داوری صادر و کتابها و مجلات متعددی در این زمینه به زبانهای مختلف چاپ می شود و آثار علمی قابل ملاحظه ای انتشار می یابد. (جنیدی، ۱۳۷۸)

هر چند در فعالیتهای اقتصادی داخلی داوری هنوز نتوانسته به رقیب جدی دادرسی تبدیل شود اما در فعالیتهای تجاری و اقتصادی بین المللی، داوری توانسته است جایگاه مناسبی را پیدا کند. امروزه داوری بخش جدایی ناپذیر حقوق تجارت بین المللی را تشکیل می دهد و بسیاری از نهادهای مربوط به حقوق تجارت بین الملل از طریق داوری بسط و توسعه یافته است. توافق بازرگانان و فعالان اقتصادی در عرصه بین المللی مبنی بر ارجاع اختلافات به داوری به جای دادرسی امری عادی محسوب می ود به نحوی که مقاومت در برابر آن و اصرار به حل و فصل اختلافات از طریق دادگاه رفتاری خلاف متعارف تلقی می شود و باعث افزایش هزینه های معاملات می گردد. بنابراین امروزه اغلب حقوقدانان و بازرگانان و صاحبان صنایع به ضرورت ارجاع دعاوی ناشی از قراردادهای منعقد به داوری آگاهی کامل یافته اند و به ندرت به مراجع رسیدگی کننده ای غیر از آن تن در می دهند. (بردبار، ۱۳۸۴).

۱-۱- بیان مسأله:

داوری، جانشینی برای پروسه قضایی حل و فصل اختلافات در عرصه عمومی است. (خمامی زاده، ۱۳۸۵) و طرفین اختلاف می توانند مأموریت رسیدگی به اختلافات و رفع آن را به شخص یا اشخاص واگذار نمایند که به جنبه های تخصصی موضوع احاطه دارند و طرفین شخصاً و یا توسط ثالث آنها را انتخاب می نمایند. (شمس، ۱۳۸۷). قاعده صلاحیت در تعیین صلاحیت یک اصل شناخته شده در داوری تجاری بین المللی می باشد که یک تأسیس تازه می باشد که در مقررات داوری آئین دادرسی مدنی ایران قبلاً این قاعده نبوده است و در



قانون داوری جدید ملهم از قانون نمونه آنسیترال در سال ۱۳۷۶ تصویب شده است. مطابق مفهوم این اصل، قاضی یا داور صالح است نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود و نیز قلمرو صلاحیت خود تصمیم بگیرد. (جنیدی، ۱۳۸۷).

این اصل در اسناد بین المللی و قوانین ملی مرتبط با داوری بین المللی به عنوان یک اصل جهانی مورد پذیرش قرار گرفته است. قاعده خود صلاحیتی که منتسب به آلمانیها می باشد به تدریج توسعه یافته و در قوانین داوری تجاری بین المللی بسیاری از کشورها راه یافته است و در حقوق داوری تجاری ایران نیز با عنوان قاعده «صلاحیت بر صلاحیت»، «صلاحیت در تعیین صلاحیت» و «اختیار نسبت به صلاحیت» ترجمه شده است. (عابدی، ۱۳۸۵). عبارت صلاحیت در لغت به معنای شایستگی، اهلیت و سزاواری است و در اصطلاح حقوقی اختیاری است که قانون به دادگاهی می دهد که به موجب آن به دعوایی رسیدگی می کند بنابراین دادگاهها نسبت به دعوایی که قانون اختیار رسیدگی به آنها را داده، صلاحیت دارند. البته اختیار مزبور را قانون به موجب حکم خاص به غیر دادگاههای عمومی نیز می دهد. مطابق ماده ۱۰ ق.آ.د.م. رسیدگی نخستین به دعوی، حسب موارد در صلاحیت دادگاههای عمومی و انقلاب است مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد. در عبارت صلاحیت بر صلاحیت دو اصطلاح وجود دارد که به نظر می رسد: صلاحیت اول در قاعده به معنای اختیار و اقتداری است که مرجع داوری به موجب قانون می تواند در خصوص صلاحیتی (عبارت دوم قاعده) که به وی تفویض شده است، اتخاذ تصمیم نماید. در بند یک ماده ۱۶ قانون داوری تجاری ایران اینگونه آمده است که «داور می تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین وجود و یا عدم وجود و یا اعتبار موافقت نامه داوری اتخاذ تصمیم کند». به این ترتیب نه تنها داور در رابطه با وسعت و قلمرو صلاحیت و مأموریت خود، مثلاً در فرض جرح وی یا ادعای خروج وی از اختیارات تفویضی اتخاذ تصمیم خواهد کرد، بلکه حق دارد در خصوص قرارداد داوری در فرض ایراد یکی از اصحاب دعوا و حتی بالاتر از آن اساساً در رابطه با وجود یا عدم وجود قرارداد مزبور اظهار نظر و اتخاذ تصمیم نماید.

از جنبه های مبهم و مجهول تحقیق حاضر که به آنها پرداخته شده می توان به ضرورت اتخاذ این اصل در داوری تجاری بین المللی، میزان نظارت دادگاهها در اعمال قاعده، حدود اختیارات داوران در این اصل، این که آیا تصمیم داوران در تعیین صلاحیتشان مطلق بوده یا اینکه محدود به رعایت شرایطی است؟ دیگر اینکه آیا تصمیم گیری داور در تعیین صلاحیت خود دقیقاً مشابه با تعیین صلاحیت قاضی دولتی است؟ اختیارات داوران و قضات دولتی در تعیین صلاحیتشان به یک اندازه می باشد یا خیر؟ و اگر اینگونه نیست چه عواملی اختیار داور را در تعیین صلاحیتش کنترل می نمایند؟ از دیگر ابهاماتی که در این تحقیق در صدد یافتن پاسخ به آن هستیم این است که آیا این قاعده در هر دو قانون داوری انگلیس و ایران به یک اندازه به داور یا داوران در تعیین صلاحیت خود و اتخاذ تصمیم درباره وجود یا اعتبار موافقتنامه داوری اختیار داده است یا اینکه هر یک به میزانی متفاوت این اختیار را به داور یا داوران تفویض کرده است. موارد فوق اشاره از ابهاماتی است که محقق در حد وسع خود در صدد یافتن پاسخ به آنها می باشد.

۲- مفهوم صلاحیت:

۲-۱- صلاحیت در حقوق داخلی

۲-۱-۱- تعریف صلاحیت

صلاحیت در لغت به معنی شایستگی، درخوری، سزاواری و اهلیت آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۰). و در اصطلاح حقوقی عبارت از قدرت، شایستگی و توانایی قانونی دادگاههای دادگستری یا مراجع غیر دادگستری در رسیدگی به دعوی و اختلافات و حل و فصل آنهاست. (بهرامی، ۱۳۷۹).

۲-۲- صلاحیت در حقوق داوری بین المللی

با توجه به جنبه های مختلف صلاحیت، صلاحیت را می توان اینگونه توصیف کرد:

(الف) توانایی و اختیار حقوقی برای استماع و تصمیم گیری پرونده ها.

(ب) توانایی یا حق اعمال اقدار و حاکمیت.

(ج) گستره قلمرو حاکمیت.

(د) محکمه قانونی یا نظام محاکم قانونی. این تعریف دربردارنده معنای نسبتاً وسیع از صلاحیت می باشد.

۲-۳- صلاحیت داوری

۲-۳-۱- صلاحیت داوری در حقوق داوری داخلی ایران

صلاحیت داور مبتنی بر موافقتنامه داوری که گاه به صورت شرط داوری موجود در قرارداد اصلی و گاه در قالب یک قرارداد مستقل داوری، فیما بین طرفین دعوا می باشد که نوع اول موافقتنامه داوری رایج تر است. موافقتنامه داوری، طرفین را ملزم به ارجاع اختلاف به داور می-

نماید و از همین راه و در اجرای قانون، داور صلاحیت رسیدگی و صدور رأی پیدا می‌کند و در نتیجه، علی القاعده، دادگاه دولتی صلاحیت رسیدگی به اختلاف موضوع موافقتنامه داوری را از دست می‌دهد.

۲-۳-۲- صلاحیت داوری در حقوق داوری بین المللی:

موافقت نامه داوری به معنای تعهد الزام آور طرفین برای ارجاع اختلاف خود به داوری است. بنابراین اثر اصلی موافقتنامه داوری اصولاً محروم نمودن دادگاهها از صلاحیت رسیدگی می باشد. (سیفی، ۱۳۷۷). داورهای اختیار لازم برای تصمیم گیری در تمام مسائل حقوقی اعم از شکلی، ماهیتی، حکمی و موضوعی را دارند، مگر آنکه آن موضوع از حیثه تعریف حل اختلاف در قرارداد داوری خارج بماند. داورها برای تشخیص حدود صلاحیت خود بایستی شرط داوری را تفسیر نمایند. حدود تصمیم گیری داوری محدود به تفسیر عبارات شرط داوری است. در صورت عدم رعایت حدود اختیار توسط هیأت داوری، زمینه مداخله دادگاه در امور داوری فراهم می شود که می تواند به ابطال رأی به صورت جزئی یا کلی منتهی شود. در صورت وجود تردید در برداشت از عبارات شرط داوری، اختیار تفسیر و رفع تردید با هیأت داوری است. (امیر معزی، ۱۳۹۲).

۳- قاعده صلاحیت بر صلاحیت

۳-۱- تعریف قاعده صلاحیت بر صلاحیت:

با توجه باینکه صلاحیت یا توانایی قضاوت داوران مستلزم وجود و اعتبار موافقت نامه داوری است، صلاحیت رسیدگی به آن، از ابتدا، «صلاحیت نسبت به صلاحیت» خوانده شده و پرسش این بوده که آیا نسبت به صلاحیت داوران خود آنان صلاحیت رسیدگی دارند؟ (معیری، ۱۳۸۳) منع یا اساس صلاحیت یک دیوان داوری بین المللی، موضوعی خارج از قلمرو آن نیست، بلکه این خود دیوان است که اختیار و وظیفه تعیین صلاحیت خویش را دارد، چنانچه داوران در یک پرونده قدیمی، بیان داشته اند: «این یک اصل پذیرفته شده است که یک قاضی بین المللی حق داشته باشد نسبت به صلاحیت خودش و نسبت به استیناف از صلاحیتش که در جریان دادرسی نزد خودش اقامه می‌شود تصمیم بگیرد». نظریه مبتنی بر اینکه دیوان های داوری صلاحیت تعیین صلاحیت خود را دارند، تحت عنوان نظریه «خودگردانی» یا «خود-اختیاری» مورد بحث برخی نویسندگان قرار گرفته است. (بردبار، ۱۳۸۴) این نظریه که با عنوان دکتترین صلاحیت بر صلاحیت نیز خوانده می شود یکی از مهمترین جنبه های پذیرفته شده قوانین داوری مدرن می باشد. آن به معنای اختیار داوری برای تعیین صلاحیت خود، از جمله هرگونه ایراد و اعتراض به وجود یا اعتبار موافقتنامه داوری است. این اختیاریه طور قانونی به دیوان داوری اعطا شده است و نهایتاً در معرض کنترل دادگاههای دولتی می‌باشد. مبنای منطقی این قاعده برای اطمینان از حل و فصل سریع اختلافات ناشی از ایرادات مربوط به صلاحیت توسط طرفین که می‌تواند توسط دیوان داوری به عنوان یک امر مقدماتی حل و فصل شود. (چیلاکورو، ۲۰۱۳).

۳-۲- مبانی قاعده صلاحیت بر صلاحیت

امروزه مبنای قاعده صلاحیت بر صلاحیت در تمایل طرفین به اعطای اختیار به داوران در تعیین هر موضوع مربوط به اختلاف ناشی از قرارداد فیما بین است، از جمله مسائل مربوط به صلاحیت محاکم داوری، چنین اختیاراتی معمولاً در متن توافقنامه داوری مشاهده می-شود. امروزه اسناد بین المللی و دکتترین این اختیار را برای دیوان داوری مورد شناسایی قرار داده اند که دیوان بتواند درباره صلاحیت خود حکم صادر کند. (جنیدی، ۱۳۷۸).

۳-۳- ضرورت و اهمیت ایجاد قاعده صلاحیت بر صلاحیت

برای شروع، بحث را باید با یافتن پاسخ به این پرسش که چه ضرورت و اهمیتی باعث ایجاد یک قاعده ای به نام قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت در قوانین داوری کشورها و قواعد و مقررات اسناد بین المللی گردیده است؟ باید توجه به توسعه روزافزون روابط تجاری در سطح بین المللی و بروز اختلاف در روابط بازرگانی بین افراد که دارای تابعیتهای مختلف هستند، و به لحاظ احساس بی اعتمادی نسبت به دادگاههای دولتی و ترس از پیچیدگی های ناشی از سیستم تعارض دادگاهها، طرفین را وادار می‌کنند که به جای دادگاههای ملی که معمولاً صلاحیت دارند به داوران منتخب خود مراجعه کنند. (صفایی، ۱۳۷۵). بعد از انتخاب داور منتخب با عنایت به اینکه در بیشتر قوانین ملی دیدگاههای متفاوتی در تفسیر پیروی شرط داوری ضمن قرارداد از قرارداد اصلی دارند و در برخی از سیستم های حقوقی با فرض ایراد خوانده به صلاحیت مرجع داوری با این دلیل که قرارداد اصلی تشکیل نشده یا تحقق نیافته است، یا فسخ شده، یا قرارداد باطل است، یا قرارداد نافذ نیست، و با در نظر گرفتن اینکه شرط داوری تابع قرارداد اصلی است ادعای بی اعتباری قرارداد اصلی بر شرط داوری هم سرایت می کند و آن را از اعتبار ساقط می‌کند و در نتیجه مرجع داوری قابل تشکیل نبوده و نمی تواند به این ادعاها رسیدگی نماید. امر داوری را عقیم می ماند، فلذا در مقررات داوری بین المللی که توسط کنوانسیونهای بین المللی به وجود آمده اند به این مهم پرداخته و برای جلوگیری خلل در امر داوری دکتترین صلاحیت بر صلاحیت در مقررات داوری گنجانده شده و در اسناد و قوانین داوری اکثر کشورها



به رسمیت شناخته شده است و به موجب آن داور می‌تواند در صورتی که وجود یا اعتبار اصل قرارداد مورد اختلاف باشد، داورى ماده را از مواد دیگر جدا کند، و آن را به عنوان قراردادی مستقل و معتبر ملاک عمل قرار دهد. حتی در صورتی که عدم اعتبار اصل قرارداد در داورى به اثبات رسد، و خود داور هم به آن رأی دهد. (باتمانی، ۱۳۹۰)

۴- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در قوانین داورى

۴-۱- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حوزه قوانین داورى تجارى ایران

در حقوق ایران، علی‌رغم تصویب «قانون داورى تجارى بین‌المللی ۱۳۷۶» به دلیل تغییراتی که در آن نسبت به قانون نمونه ایجاد شده، قواعدی در زمینه شناسایی و اجرای آرای داورى خارجى وجود نداشت و امکان اجرای آرای داورى خارجى در ایران از وضعیت مبهمی برخوردار بود. با توجه به این موضوع، الحاق به یکی از کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسید. لذا جمهوری اسلامی ایران، با درک این واقعیت، در سال ۱۳۸۰، به کنوانسیون نیویورک که از سایر کنوانسیون‌ها مناسب‌تر به نظر می‌رسید، ملحق گردید.

۴-۱-۱- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حوزه قوانین داورى تجارى داخلی ایران

مقررات داورى داخلی ایران که در قانون آیین دادرسی مدنی آمده است و از شهریور ۱۳۱۸ لازم‌الاجرا گردید و باب هفتم و هشتم آن اختصاص به داورى دارد. مقررات داورى داخلی ابتدا جهت تنظیم داورى داخلی طرح شده و میان داورى داخلی و بین‌المللی تفکیکی قائل نشده‌اند اما در اصل می‌توانست شامل داورى بین‌المللی هم باشد هر چند اعمال مقررات آن در زمینه داورى بین‌المللی خالی از اشکال نیست زیرا اصولی که امروزه زیر بنای داورى تجارى بین‌المللی می‌باشد. عمدتاً در این قانون در نظر گرفته نشده است که از میان این اصول می‌توان به عدم شناسایی استقلال شرط داورى نسبت به قرارداد اصلی و نیز عدم تصریح به اختیار دیوان داورى برای تعیین صلاحیت خود و تصمیم‌گیری در مورد اعتبار موافقتنامه داورى. (سیفی، ۱۳۷۷).

اثر اساسی یک قرارداد داورى این است که دعوای احتمالی یا موجود را از صلاحیت محاکم خارج می‌نماید. این همان اثر مستقیم و منفی قرارداد داورى است که امروزه در حقوق داخلی اکثر کشورها در رابطه با داوریهای ملی پذیرفته شده است. اما در ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ که مقرر داشته: «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی دارند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه طرح شده یا نشده باشد و در طرح طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داورى یک یا چند نفر ارجاع دهند». در واقع در مقام تجویز و بیان همین ویژگی منفی داورى بوده و در آن تردیدی نیست منتها باید توجه داشت که رویه قضاوت محاکم بر این است که چنانچه درخواست ارجاع می‌دهند، ولی چنانچه یکی از طرفین علی‌رغم وجود شرط داورى در قرارداد موضوع را در دادگاه طرح کرده باشد، به خودی خود از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوی در وضعیت فعلی خواهد بود حتی اگر خوانده با استناد به شرط داورى به صلاحیت داور استناد ننماید مگر اینکه خواننده دعوی مطابق بند یک ۴۸۱ قانون مارالذکر از این حق خود صریحاً از طریق تراضی کتبی با طرف دیگر اعراض کرده باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود در داورى های داخلی صلاحیت داوران تقریباً هم سطح و موازی با صلاحیت قضات ملی پذیرفته شده است. (عابدی، ۱۳۸۵). با توجه قانون آیین دادرسی مدنی و اینکه این قانون در خصوص قاعده صلاحیت بر صلاحیت چه قاعده ای را پذیرفته است در این قانون نص صریحی راجع به این قاعده دیده نمی‌شود. ممکن است با توجه به ظاهر ماده ۶۳۶ قانون مارالذکر گفته شود که رسیدگی به این امر در صلاحیت مرجع قضایی باشد. لیکن این نظر قابل ایراد است، زیرا چنانچه گفته شد این ماده صلاحیت داور را برای رسیدگی به صلاحیت خود به عنوان یک قاعده کلی نفی می‌کند و فقط ناظر به مورد خاص است. یعنی موردی که قبل از بروز اختلاف در مورد اصل داورى توافق شده ولی داور در قرارداد داورى تعیین نشده و یک طرف از تعیین داور اختصاصی خود امتناع کند و برای تعیین داور به دادگاه مراجعه شود در این صورت طبیعی است که اگر ایرادی راجع به صلاحیت وجود داشته باشد دادگاه باید قبل از تعیین داور راجع به آن اتخاذ تصمیم کند ولی از آن ماده قاعده ای کلی مبنی بر عدم صلاحیت داور جهت رسیدگی به صلاحیت خود که بر خلاف گرایشهای امروز در داورى های داخلی و بین‌المللی است نباید استنباط کرد. (صفایی، ۱۳۷۵) در ایران، قانون آیین دادرسی مدنی هیچ‌گونه مقرراتی در خصوص عدم مداخله دادگاه ها در جریان داورى ندارد و قلمرو مداخله دادگاهها در داورى وسیع است. (صادقی، ۱۳۸۲).

۴-۱-۲- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در حوزه قوانین داورى تجارى بین‌المللی ایران

قانون داورى تجارى بین‌المللی ایران در جلسه شهریور ماه سال ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی در ۳۶ ماده به تصویب رسید و در مهرماه همان سال نیز به تأیید شورای نگهبان رسید یکی از مآخذ اصلی این قانون، قانون داورى نمونه آنسیترال است. لایحه داورى تجارى بین‌المللی ایران تقریباً از سال ۱۳۷۰ ارائه شده بود و در مورد آن بحث می‌شد. (علیزاده، ۱۳۸۰). هدف از تصویب قانون آن است که مقررات بهتر و جدیدتری نسبت به داورى موجود در قانون آیین دادرسی مدنی ارائه نماید. (سیفی، ۱۳۸۳). در داورى های داخلی

صلاحیت داوران تقریباً هم سطح و موازی با صلاحیت قضات ملی پذیرفته شده، این سوال پیش می‌آید که آیا این حد از صلاحیت را می‌توان در مورد داوریهایی بین‌المللی نیز در حقوق ایران شناسایی کرد؟ این سوالی است که از دیرباز از رویه قضایی ایران جدا مورد بحث و بررسی بوده است و قضات نوعاً از ترجیح صلاحیت یک مرجع داوری بین‌المللی در صلاحیت محاکم داخلی استتکاف ورزیده اند حتی تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران علیرغم گشایش قابل توجه در مسأله صلاحیت کلیه محدودیت‌ها در این رابطه بر طرف نکرده است چه، علاوه بر سایر محدودیت‌هایی که وجود دارد. ماده ۸ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران شرط انتفاء (نفی) صلاحیت محاکم داوری را در فرض وجود شرط داوری را منوط به اعلام و ایراد یکی از طرفین کرده است. به این معنی که در صورت شرکت خواننده در دادرسی و عدم استناد به شرط داوری صلاحیت محکمه کماکان محرز و مسلم خواهد بود. (عابدی، ۱۳۸۵) ملاحظه می‌شود که در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در مورد پذیرش قاعده صلاحیت نسبت به صلاحیت با مقررات بین‌المللی و حقوق تطبیقی هماهنگی دارد. (صفایی، ۱۳۸۵) و از حیث وارد کردن این اصل شناخته شده و معتبر که مرجع داوری صلاحیت دارد قلمرو صلاحیت خود را تعیین نماید، در نظام حقوقی ایران گام بزرگی برداشته است ماده ۱۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مقرر می‌دارد که دیوان داوری «می‌تواند در مورد صلاحیت خود و همچنین درباره وجود و یا اعتبار موافقتنامه داوری اتخاذ تصمیم کند». (سیفی، ۱۳۷۷).

۲-۴- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس:

تا سال ۱۹۹۶، کنترل داوری با توجه به صلاحیت دیوان داوری تقریباً به طور انحصاری در دست دادگاه بود. رویکردی که تا آن زمان مسلط بود این بود که دادگاه دارای قدرت تعیین اینکه آیا یک موافقتنامه داوری معتبر است؟ نیز دادگاه‌های می‌توانستند قبل یا بعد از صدور حکم داوری در رأی داوری مداخله کنند و یک تصور عمومی وجود داشت که داوران به هر حال هیچ اختیاری غیر از بیان این نظر که آیا آنها صلاحیت داوری دارند یا نه، ندارند. (سوسلر، ۲۰۱۲).

قاعده صلاحیت بر صلاحیت در داوری تجاری بین‌المللی به صلاحیت محکمه داوری برای تعیین صلاحیت خود اهمیت قائل است. این قاعده عموماً در عملکرد اروپایی دیده شده و مرام اصلی قانون نمونه است. چنین چیزی قبلاً در قوانین انگلستان شناخته شده نبود و لی در قانون ۱۹۹۶ به صورت یک قاعده در ماده ۳۹ قانون داوری انگلستان درج شده است. با وجود این باید خاطر نشان کرد که در سیستم حقوقی انگلستان صلاحیت محکمه داوری برای تعیین قطعی میزان صلاحیتش حسب مواد ۳۲ و ۶۷ قانون داوری تحت کنترل قضایی قرار دارد. قانون داوری ۱۹۹۶ انگلستان زمینه‌های بیشتری از دخالت قضایی در امر داوری را می‌پذیرد. اگرچه این قانون مقرر می‌دارد که محاکم باید فقط به میزان حداقل لازم دخالت کنند، این محدودیت‌های وارده به اختیارات محاکم منعکس کننده آکراه سیستم حقوقی انگلستان برای قبول عدم صلاحیت دادگاه است با وجود این، این غصب صلاحیت محکمه بطور مضیقی در مواد ۳۲ و ۷۲ تعریف شده است. در وهله نخست اگر یک طرف دعوا به صلاحیت محکمه در مدت معینی اعتراض نکند، حق اعتراض خود را از دست خواهد داد. ثانیاً دادگاه به موضوع صلاحیت رسیدگی نخواهد کرد، مگر اینکه طرفین کتباً در مورد حل و فصل موضوع به وسیله دادگاه توافق کرده باشند. محکمه داوری به نوبه خود می‌تواند به دادگاه اجازه رسیدگی به این موضوع را بدهد. اگر دادگاه دارای چنین صلاحیتی برای رسیدگی به موضوع صلاحیت باشد تنها در صورت اقتناع در خصوص وجود موارد ذیل به صدور رأی مبادرت خواهد کرد. به نظر برسد که اینگونه رسیدگی به صرفه جویی در هزینه‌ها در جریان رسیدگی ماهوی منجر می‌شود.

(۱) درخواست بدون تأخیر داده شده باشد.

(۲) دلایل معقولی برای لزوم رسیدگی به وسیله دادگاه وجود داشته باشد. (خمامی زاده، ۱۳۸۵).

معمولاً مداخله دادگاه‌ها در سطح داوری تجاری بین‌المللی به مراتب کمتر از داوری‌های داخلی است؛ در انگلستان دادگاه‌ها برای رغبت تجار در رجوع به داوری با امتناع از رسیدگی، کمک شایانی به تحول داوری نموده اند. البته، رابطه قاضی و داوری در انگلستان به طور سنتی وجود داشت و این رابطه برای اثر بخشیدن بر جریان داوری بوده است. قاضی اسمارت در قضیه مطرح شده به داوری، کمتر مداخله نمود؛ زیرا مداخله در داوری تجاری بین‌المللی منطقاً ناخوشایند است». (صادقی، ۱۳۸۲)

ماده ۳۰ قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس مقرر می‌دارد: «جز در مواردی که طرفین به طریق دیگری توافق کرده باشند، هیأت داوری می‌تواند نسبت به صلاحیت ماهوی خود در موارد زیر تصمیم بگیرد یعنی نسبت به:

(الف) اعتبار قرارداد داوری موجود.

(ب) تشکیل هیأت داوری به نحو صحیح و قانونی.

(ج) موضوع‌های قابل رسیدگی بر طبق قرارداد داوری.

۳-۴- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در اسناد و مقررات بین‌المللی

۴-۳-۱- قانون دیوان بین المللی داوری لندن

اولین و قدیمی ترین سازمان داوری که در عرصه داوری به وجود آمده است دیوان داوری بین المللی لندن می باشد که در سال ۱۸۹۲ تأسیس شده است. (شیروی، ۱۳۹۰). وظیفه نصب دیوان های داوری، بررسی چالش ها در مورد داوران و کنترل هزینه ها را بر عهده دارد و تحت نظر مشترک شهرداری، مرکز پولی- مالی لندن، اتاق بازرگانی و نیز انجمن داوران خبره اداره می شود. در بند یک ماده ۲۳ بیان می دارد که: «دیوان داوری باید قدرت امور صلاحیتی خود را داشته باشد که شامل هرگونه اعتراضی به وجود ابتدایی، وجود مداوم؛ اعتبار یا تأثیر موافقتنامه داوری می باشد. (شیخ محمدی، ۱۳۹۲) همچنین در بند یک ماده ۱۴ قواعدی داوری بین المللی لندن مقرر می دارد: «هیأت داوری اختیار صدور حکم بر صلاحیت خود از جمله هر نوع اعتراض نسبت به وجود یا اعتبار قرارداد داوری را خواهد داشت.» (امیر معزی، ۱۳۸۷).

۴-۳-۲- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در قانون نمونه آنسیترال

متن پیش نویس قانون نمونه آنسیترال توسط کمیسیون تجارت بین الملل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ در ۳۶ ماده و هشت فصل مورد تصویب قرار گرفت. کم نظیر بودن متن قانونی مزبور به واسطه کوله باری از تجربه و تخصص که در خود دارد، موجب تأیید و شناسایی آن به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد گردید. مجمع مزبور در قطعنامه ۴۰/۷۲ مورخ ۱۹۸۵ خود به کشورهای جهان توصیه کرد که برای ایجاد وحدت حقوقی در زمین مقررات داوری قانون نمونه را مورد توجه لازم قرار دهند. (جنیدی، ۱۳۷۸).

قانون نمونه آنسیترال در بند یک ماده ۱۶ این قاعده صلاحیت بر صلاحیت را به رسمیت شناخته و مقرر می دارد: «دیوان داوری می-تواند در مورد صلاحیت خود، همچنین درباره وجود یا اعتبار موافقت نامه داوری اتخاذ تصمیم کند. برای این منظور شرط داوری که به صورت جزئی از قرارداد مقرر شده باشد، به عنوان موافقت نامه داوری مستقل از سایر شرایط قرارداد به شمار می رود. تصمیم داور مبنی بر اینکه قرارداد داوری باطل و ملغی الاثر است، فی نفسه به معنای عدم اعتبار شرط داوری نخواهد بود. با ملاحظه ماده مشخص می شود که در قانون نمونه آنسیترال هم اصل صلاحیت بر صلاحیت و هم استقلال شرط داوری هر دو لحاظ شده است.

همچنین بند دو ماده ۲۱ قواعد داوری آنسیترال استقلال شرط داوری را پیش بینی کرده، مقرر می دارد: «دیوان داوری اختیار خواهد داشت نسبت به وجود یا اعتبار قراردادی که شرط داوری بخشی از آن را تشکیل می دهد، تصمیم بگیرد. از لحاظ ماده ۲۱، شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل می دهد و متضمن داوری بر اساس این قواعد آنسیترال است، به عنوان یک توافق مستقل از سایر شرایط قرارداد محسوب خواهد شد. تصمیم دیوان داوری مبنی بر اینکه قرارداد باطل و بی اثر است، بی اعتباری شرط داوری را در پی خواهد داشت.» قانون نمونه آنسیترال، اصول مندرج در کنوانسیون نیویورک را هم تا حد امکان پذیرفته است. به موجب ماده ۵ قانون نمونه: «در خصوص کلیه مسایل موجود در این قانون، دادگاهها نمی توانند مداخله نمایند، مگر در مواردی که در این قانون پیش بینی شده است.» اهمیت موضوع ارتباط میان دادگاه و داوری تا آن جایی است که حتی گزارشگر آنسیترال موفقیت کل طرح را در گروه این موضوع دانسته است. (صادقی، ۱۳۸۲).

۴-۳-۳- جایگاه قاعده صلاحیت بر صلاحیت در مقررات دیوان داوری اتاق بازرگانی بین الملل

یکی از سازمان های پیشرو در امر داوری دیوان داوری، اتاق بازرگانی بین المللی است که نزدیک به یک قرن در عرصه داوری تأثیرگذار بوده است. این دیوان وابسته به اتاق بازرگانی بین المللی است که به عنوان یک سازمان غیر دولتی در سال ۱۹۱۹ در شهر آتلانتیک تأسیس شد و دفتر مرکزی آن در پاریس قرار دارد. این اتاق مرکب از هزاران شرکت و سازمان تجاری-اقتصادی در بیش از ۱۳۰ کشور جهان است.

از اهداف اساسی اتاق تجاری بین المللی ارائه خدمات برای حل و فصل اختلافات تجاری، هماهنگ کردن رویه های تجاری، توسعه تجارت و سرمایه گذاری و تشویق اتخاذ درهای باز اقتصادی است. چهار سال بعد از تشکیل اتاق، در سال ۱۹۲۳ دیوان داوری اتاق راه اندازی شد و مقررات داوری آن تنظیم شد. سازماندهی و مقررات داوری اتاق بازرگانی بین المللی برای بسیاری از سازمانهای داوری الگو بوده و تأثیر زیادی بر شکل گیری مقررات داوری سازمانی داشته است. (شیروی، ۱۳۹۱).

دیوان داوری خود به هیچ اختلافی رسیدگی نمی کند، اختلاف از طریق هیأت داوری رسیدگی می شود که زیر نظر دیوان رسیدگی می-شود. تأیید داوران منتخب طرفین، انتخاب داوران، اتخاذ تصمیم در مورد جرح، نظارت بر فرآیند رسیدگی، بازبینی و تأیید آرای داوری و تعیین حق الزحمه داوران از جمله وظایف دیوان داوری است.

۴-۳-۴- قواعد داوری مرکز منطقه ای داوری تهران

یکی از سازمانهای داوری بین المللی است که به موجب موافقتنامه ای بین «سازمان حقوقی مشورتی آسیایی-آفریقایی» و دولت جمهوری اسلامی ایران در تهران تشکیل شده است. برای تشکیل مرکز همانند سایر مراکز منطقه ای داوری تحت نظر سازمان ابتدا لازم



بود که موضوع تأسیس مرکز داوری به تصویب سازمان برسد، که این امر در نشست ۲۶ سازمان در بانکوک در ۱۳۶۶ برابر با ۱۹۸۷ میلادی انجام شد.

وظایف مرکز داوری منطقه ای تهران در ماده ۱ موافقتنامه تأسیس و به شرح ذیل بیان شده است:
الف) ترویج داوری بین المللی در منطقه؛

ب) هماهنگی فعالیت ها و مساعدت به مراکز داوری موجود در منطقه؛

پ) مساعدت به داوری های موردی به ویژه در مواردی که داوریها طبق قواعد آنسیترال انجام می شود؛

ت) کمک به اجرای آرای داوری؛

ث) برگزاری داوری تحت نظر مرکز؛

قواعد داوری مرکز بر اساس مقررات داوری آنسیترال تنظیم شد. از آنجا که مقررات داوری آنسیترال بیشتر ناظر به داوری موردی است، تغییراتی در مقررات مزبور اعمال شده تا با داوری سازمانی سازگار شود. البته در تنظیم آن، قانون داوری تجاری بین المللی نیز مد نظر قرار گرفته است.

با وجود منطقه ای بودن این سازمان یک سازمان داوری بین المللی تلقی می شود که صلاحیت آن به منطقه آسیا و آفریقا محدود نیست و کلیه اشخاص در سراسر جهان می توانند با توافق اختلافات خود را به مرکز مزبور ارجاع نمایند. همچنین مرکز به اختلافات داخلی ارجاعی و نیز اختلافات غیر تجاری رسیدگی می کند. (شیروی، ۱۳۹۱).

قاعده صلاحیت بر صلاحیت در قواعد داوری مرکز منطقه ای داوری تهران به رسمیت شناخته شده به طوری که در ماده ۱۸-۱ قواعد مرکز چنین آمده است: «دیوان داوری اختیار دارد در مورد ایراد وارده به صلاحیت خود از جمله هرگونه ایراد مربوط به خود وجود یا اعتبار شرط داوری یا موافقتنامه جداگانه داوری تصمیم گیری کند. از لحاظ این ماده شرط داوری که بخشی از قرارداد را تشکیل داده و داوری بر طبق قواعد حاضر تشکیل داده موافقتنامه ای مستقل از سایر شروط قرارداد محسوب می شود و تصمیم دیوان داوری مبنی بر کان لم یکن بودن قرارداد مزبور قانوناً مستلزم بی اعتباری شرط داوری نیست». (شیخ محمدی، ۱۳۹۲).

۴-۳-۵- قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران

یکی از سازمانهای داوری داخلی است که وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ایجاد شده است. و یکی از وظایف این اتاق «تلاش در جهت بررسی و حکمت در مورد مسائل بازرگانی داخلی و خارجی اعضا و سایر متقاضیان از طریق تشکیل مرکز داوری اتاق ایران طبق اساسنامه ای که توسط دستگاه قضایی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید» می باشد. به موجب ماده ۲ اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت دارد که نسبت به حل و فصل اختلافات بازرگانی اعم از داخلی و خارجی از طریق داوری اقدام نماید. این اختلافات باید ماهیت بازرگانی داشته باشد. بنابراین، کلیه اشخاص داخلی و خارجی می توانند اختلافات بازرگانی خود را در مرکز یاد شده ارجاع نمایند، اعم از اینکه عضو اتاق بازرگانی باشند یا نه. (شیروی، ۱۳۹۱).

۵- نتیجه گیری:

با عنایت به اینکه حقوق داوری ایران در مسایل داخلی و بین المللی از یک سیستم پیروی نمی نماید، باید پاسخ در هر دو حوزه به صورت جداگانه داده شود، برعکس در حقوق انگلیس که هر دو داوری داخلی و بین المللی از یک سیستم حقوقی پیروی می نمایند. در نظام حقوقی ایران داوری های داخلی از مقررات داوری موجود در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ تبعیت می نمایند و داوری های بین المللی از قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ پیروی می نمایند.

بنابراین از نص ماده ۴۶۱ ق.آ.د.م. و همچنین اصل صلاحیت محاکم قضایی می توان نتیجه گرفت که در صورت توافق طرفین بر رسیدگی به اختلاف در اصل قرارداد توسط داور مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی داور صلاحیت چنین امری را ندارد، زیرا به نظر می رسد که ماده ۴۶۱ ق.آ.د.م. جزء قواعد آمره می باشد و هرگونه توافق بر خلاف مقررات ماده مزبور فاقد وجاهت قانونی باشد و در نتیجه چنین توافقی بی اعتبار خواهد بود.

به بیان روشنتر ماده ۴۶۱ از یک سو نظریه استقلال شرط داوری را تأیید نمی نماید و از سوی دیگر رسیدگی به اختلاف نسبت به موافقت نامه داوری را در صلاحیت دادگاه قرار می دهد و به عبارت دیگر قاعده «صلاحیت بر صلاحیت» را نمی پذیرد. برپایه نگاه مزبور، قانون آئین دادرسی مدنی اصلی ترین انگیزه انعقاد موافقت نامه داوری را به نابودی کشانده است. ولی در قانون داوری تجاری بین المللی قاعده «صلاحیت بر صلاحیت» به عنوان ابزاری جهت کسب خصوصیت فراملی و واقعی داوری در قانون داوری تجاری بین المللی ایران به رسمیت شناخته شده است و در ماده ۱۶ این قانون با ابهام از ماده ۱۶ قانون نمونه آنسیترال گرفته شده است.

بنابراین چنانچه موضوع اختلاف واجد خصیصه بین المللی بوده باشد شرط داوری یا قرارداد داوری مستقل از قرارداد اصلی بوده و داور حق دارد رأساً در خصوص صلاحیت خود و وجود و اعتبار عقد اصلی اظهار نماید و رسیدگی به آن منوط به اتخاذ تصمیم و اعلام نظر از سوی مرجع قضایی نمی باشد.

در قانون داوری ۱۹۹۶ انگلیس با وجود اینکه مواد ۸۵ الی ۸۷ بین داوری داخلی و بین المللی تمایز قائل شده است، ولی این مواد به علت عضویت انگلستان در اتحادیه اروپایی هرگز به مرحله اجرا درنیامد. لذا در حال حاضر داوری های داخلی و خارجی در سیستم حقوقی انگلستان از یک نظام حقوقی تبعیت می نماید، یعنی هم داوری داخلی و هم داوری خارجی تحت شمول قانون داوری ۱۹۹۶ می باشد. این قانون سعی دارد تا اصول اساسی تفکیک پذیری شرط داوری و صلاحیت بر صلاحیت را در قانون خویش تثبیت نماید. آنچه که در ماده ۷ و ۳۰ قانون داوری انگلیس آمده است. مطابق قانون صلاحیت هیأت داوری یک صلاحیت ذاتی است که به موجب قانون بوجود آمده و از صلاحیت محاکم عمومی، با وجود اینکه مرجع تظلمات به شمار می رود، جداست. این قانون به عنوان یک استاندارد و به معنای توانایی دیوان برای تصمیم گیری در خصوص صلاحیت خود، به طور مجزا در بخش ۳۰ این قاعده دیده می شود که در واقع از اهداف این قانون که در صدد هماهنگی با نظم عمومی و اعطای اختیارات بیشتر در جریان داوری است، به رسمیت شناختن همین مورد است. البته تشخیص صلاحیت توسط داوری تحت کنترل نظام قضایی صورت می گیرد.

۶- پیشنهادات

- در داوری های داخلی نیز باید قاعده صلاحیت بر صلاحیت را در کنار صلاحیت قضایی و هم عرض آن، پذیرفته و صلاحیت داوری را به رسمیت شناخت.
- دیگر اینکه برای هماهنگی بیشتر می توان از یک قانون هم برای داوری داخلی و بین المللی استفاده کرد و شرط یا قرارداد داوری در قرارداد داخلی را همانند داوری بین المللی اعطا کننده صلاحیت برای داوران به حساب آورد و به عنوان یک قرارداد مستقل در نظر گرفت.

منابع و مأخذ:

۱. امیر معزی، احمد، (۱۳۹۲)، داوری بازرگانی بین المللی، تهران، انتشارات دادگستر.
۲. بردبار، محمدحسین، (۱۳۸۴)، صلاحیت در دیوان های داوری بین المللی، تهران، انتشارات ققنوس.
۳. بهرامی، بهرام، (۱۳۷۹)، آئین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات بهنامی.
۴. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۶)، قانون حاکم در داوریهای تجاری بین المللی، تهران، انتشارات دادگستر.
۵. جنیدی، لعیا، (۱۳۷۸)، نقد و بررسی تطبیقی قانون داوری تجاری بین المللی، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۶. سروی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، نگرشی کاربردی به موضوع داوری در حقوق ایران، تهران، انتشارات فکرسازان.
۷. سیفی، جمال، (۱۳۸۳)، اهمیت سازمانی داوری در دعاوی تجاری بین المللی، داوری نامه-۱.
۸. شیخ محمدی، مرضیه، (۱۳۹۲)، استقلال شرط داوریهای تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
۹. شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، داوری تجاری بین المللی، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. صفایی، سید حسن، (۱۳۷۵)، حقوق بین الملل و داوریهای بین المللی، تهران، انتشارات سمت.

مقالات:

۱۱. باتمانی، یعقوب، (۱۳۸۹)، استقلال شرط داوری در قراردادهای بین المللی با مطالعه تطبیقی در حقوق بین المللی و حقوق ایران.
۱۲. خمایی زاده، فرهاد، (۱۳۸۵)، هماهنگی یا عدم هماهنگی قانون نمونه آنسیترال با قانون داوری انگلیس، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹.
۱۳. صادقی، محسن، (۱۳۸۲)، مداخله دادگاهها در داوری تجاری بین المللی، تهران، دانش پژوهان، بهار و تابستان، شماره ۳.
۱۴. معیری، علی، (۱۳۸۳)، ماهیت حقوقی شرط داوری در ضمن قراردادهای، مجله مطالعات حقوق بین الملل، شماره ۲۱.